

## هم‌گرایی جهان اسلام و چالش‌های نوظهور فرهنگی - مذهبی

محمد مهدی مظاهری\*

### چکیده

در سال‌های اخیر، جهان اسلام، در مقایسه با دیگر مناطق سیاسی و فرهنگی جهان، به منطقه‌ای پُرخشونت و پُر از درگیری و جنگ تبدیل شد و چشم‌انداز روشنی از هم‌گرایی و وحدت اسلامی در آن به‌چشم نمی‌خورد. از این رو، هدف کلیدی پژوهش حاضر بررسی و تحلیل مهم‌ترین چالش‌های هم‌گرایی در جهان اسلام و ارائه راه‌کارهایی برای مقابله با آن‌هاست. در تحقیق حاضر، با بنیادی دانستن نقش مسائل فرهنگی - مذهبی در روابط کشورهای اسلامی، تأثیر این عوامل در عدم هم‌گرایی جهان اسلام مفروض دانسته شده است. این تحقیق درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است که «جهان اسلام در عصر حاضر با چه چالش‌های فرهنگی - مذهبی‌ای مواجه است؟» فرضیه‌ای که به‌منزله پاسخ موقتی مطرح شده این است که ضعف عقلانیت و اعتدال و مشکلات هویتی ناشی از گسترش ابزارهای نوین ارتباطی از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی - مذهبی جهان اسلام در عصر حاضرند. یافته‌های این پژوهش، که براساس نظریه هم‌گرایی و با روش‌های تحلیلی - تفسیری انجام شده است، نشان می‌دهد که نگاه سطحی به قرآن و روایات، وضع احکامی خارج از چهارچوب عقلانیت و اعتدال و رواج جهل و نادانی از یک‌سو و جهانی‌شدن فرهنگ، که به‌طور هم‌زمان سبب شکل‌گیری هویت‌های افراط‌گرا و هویت‌های غیردینی در جوامع اسلامی شده است، از مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی جهان اسلام در عصر حاضر است.

**کلیدواژه‌ها:** افراط‌گرایی، بحران هویت، جهان اسلام، چالش‌های فرهنگی - مذهبی.

---

\* دانشیار مدیریت فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، mmdmt39@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۱۷

## ۱. مقدمه

جهان اسلام مجموعه‌ای از کشورهای متعدد (۵۷ کشور) است؛ این کشورها نقاط اشتراک و افتراق بسیاری دارند. اگر بخواهیم به جهان اسلام به یک کل هویتی نگاه کنیم، زمینه اشتراک آن‌ها عمدتاً حول محور اسلام، قرآن، و آموزه‌های اسلامی است؛ اما از زمان شکل‌گیری دولت - ملت‌ها، ضمن این‌که این وجوه اشتراک بین کشورهای اسلامی وجود داشته، همواره وجوه افتراق نیز شکل گرفته و به تنش بین این کشورها دامن زده است. بخشی از آن‌چه به‌منزله بحران‌ها در جهان اسلام از آن‌ها یاد می‌شود به اختلافات داخلی برمی‌گردد که در کشورهای اسلامی وجود دارد و بیش‌تر اختلافات قومی و قبیله‌ای است؛ گفتنی است این اختلافات ضرورتاً متأثر از اسلام نیست، بلکه هویت‌های قومی و قبیله‌ای است که پُررنگ می‌شود و به‌نوعی آتش اختلاف را در بین کشورهای اسلامی شعله‌ور می‌کند. هم‌زمان با آن اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک نیز در بین کشورهای اسلامی وجود دارد که آتش اختلاف را در بین کشورهای اسلامی اضافه می‌کند. نکته مهم بحث تفرقه در جهان اسلام است که موجب افزایش بحران در جهان اسلام شده است.

اما در کنار این عوامل درونی، بخشی نیز به عوامل فرامنطقه‌ای مربوط است که کشورهای غربی و رژیم صهیونیستی بیش‌ترین بهره‌برداری را از آن در سالیان و دهه‌های گذشته داشته‌اند. بنابراین، شاهدیم که بسترهای اختلاف‌زا در بین کشورهای اسلامی زمینه‌های شکل‌گیری بحران را در درون کشورها و در بین کشورهای اسلامی فراهم کرده است. بدین ترتیب، در سال‌های اخیر مجموعه این عوامل سبب اختلاف و تنش در جهان اسلام شده‌اند و کشورهای اسلامی را از آرمان وحدت و هم‌گرایی بازداشته‌اند. بدین لحاظ، نگارنده در پژوهش حاضر کوشیده است با بررسی چالش‌های فرهنگی و مذهبی نوظهور در جهان اسلام آن‌ها را ریشه‌یابی و تحلیل کند و راه‌کارهایی برای خروج کشورهای اسلامی از این چالش‌ها ارائه دهد.

## ۲. چهارچوب نظری

بحث هم‌گرایی و واگرایی ناظر بر رفتار جمع‌گرایی و دوری‌گزینی کشورها و دولت‌ها از یک‌دیگر است. به فرایند هم‌پیوستگی و هم‌بستگی دولت‌های ملی «هم‌گرایی» و به فرایند جدایی و دوری‌گزینی دولت‌های ملی از هم‌دیگر «واگرایی» گفته می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۵۳). هم‌گرایی در چهارچوب فرهنگ علوم سیاسی به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن

جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاست‌های عمده و اساسی خود چشم می‌پوشند و سعی می‌کنند به تصمیم‌های مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی تازه‌ای واگذار کنند (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). در تعریفی دیگر از هم‌گرایی آمده است: «هم‌گرایی در هم‌آمیزی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، و ژئواستراتژیک کشورها و ملت‌ها در مناطق گوناگون گیتی است» (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۶۹).

پدیده‌ی واگرایی و هم‌گرایی در رفتار کشورها، با توجه به دلایل و عوامل بروز و تجلی این پدیده‌ها، طبیعتی پویا دارد. بدین معنا که اگر عوامل ایجادکننده باقی بمانند، پدیده‌ی واگرایی و هم‌گرایی باقی می‌ماند و با نبودن این عوامل، هم‌گرایی نیز از بین خواهد رفت. از آن‌جا که عوامل ایجادکننده در حال تحول و دگرگونی است، این پدیده نیز دچار تحول می‌شود. مثلاً، تهدیدی مشترک می‌تواند عاملی برای هم‌گرایی کشورهای تهدیدشده تلقی شود و آن‌ها را با هم متحد کند و در قالب یک تشکل امنیتی بین‌المللی گرد هم آورد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۵۴).

به نظر بیش‌تر صاحب‌نظران در روند هم‌گرایی، تصمیم‌گیری باید از مراکز متعدد قبلی به سوی مرکزی واحد سوق داده شود و بدین لحاظ می‌توان گفت هم‌گرایی فرایندی است که طی آن دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مستقل و جدا از هم باید داوطلبانه و آگاهانه در این جهت حرکت کنند و برای به‌حداکثر رساندن منافع خود از طریق هم‌گرایی حداقل از قسمتی از حاکمیت ملی و اعمال آن برای دستیابی به پاره‌ای از اهداف مشترک صرف‌نظر کنند و حتی الامکان از عوامل اختلاف‌زایی مانند وفاداری‌های افراطی ملی، احساسات شدید ناسیونالیستی، گرایش‌های سیاسی، و پای‌بندی صرف به منافع ملی بکاهند و با گسترش همکاری‌های گوناگون فنی، تکنیکی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی، و سیاسی زمینه‌تبات و گرایش به سوی اتحاد بین کشورهای منطقه را فراهم آورند (شیخ‌حسینی، ۱۳۷۵: ۱۱۹).

شکل‌گیری فرایند هم‌گرایی و پدیدارشدن گروه‌بندی و تشکل بین‌المللی و منطقه‌ای نیازمند زمینه‌ها و عوامل خاصی است که ویژگی‌های مشترک فرهنگی و تاریخی مانند زبان، تجربه تاریخی، ایدئولوژی، دین و مذهب، نژاد، قومیت، خاندان، و آداب و رسوم مشترک از مهم‌ترین آن‌هاست. نگارنده در پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی چالش‌های فرهنگی نوظهور جهان اسلام، تأثیر این عوامل در روند هم‌گرایی و واگرایی آن‌ها را بررسی و تحلیل کند.

### ۳. چالش‌های فرهنگی - مذهبی جهان اسلام

امروزه، جهان اسلام از دو سو مواجه با چالش‌هایی است که روند تقویت و افزایش ضریب امنیت و تبات منطقه‌ای و جهانی این کشورها را با مشکل مواجه کرده است: نخست،

چالش‌های درونی منتج از وجود دولت‌های ضعیف و رشد گروه‌های افراط‌گراست که واکنش توأم با نارضایتی مردم را به دنبال داشته است؛ دوم، چالش‌های پیش‌روی هم‌گرایی در جهان اسلام، که هر دوی این چالش‌ها تهدیدهای خاصی را متوجه کشورهای اسلامی کرده است. از این‌رو، در این بخش مهم‌ترین این چالش‌ها شناسایی و تحلیل می‌شود و راه‌کارهای علمی برای تبدیل آن‌ها به فرصت ارائه می‌شود.

### ۱.۳ چندگانگی طرز تلقی‌ها از دین اسلام

دنیای اسلام از دیدگاه فکری، فرهنگی، ایدئولوژیکی، و برداشت‌ها و طرز تلقی‌ها از اسلام سیاسی و غیرسیاسی هویتی کثرت‌گرا دارد. از این‌رو، در حال حاضر شاهد مکاتب اندیشه‌ای و قطب‌های فکری، عقیدتی، و علمی متعددی در دنیای اسلام هستیم که عموماً بر حقانیت خود و تلقی صحیح از اسلام تأکید دارند و دیگران را کم‌تر می‌پذیرند و برخی از آن‌ها حتی دیگران را تا سرحد کفر متهم می‌کنند. البته، چنان‌که محمد ارکون، استاد برجسته تاریخ تفکر اسلامی دانشگاه سوربن، یادآور می‌شود:

نباید آیین اسلام را با آن چیزی که می‌تواند اسلام‌ها خوانده شود، یعنی ایدئولوژی‌هایی که خود را وابسته به آن می‌دانند، اشتباه گرفت؛ زیرا اولی واقعیتی فوق تاریخی، فوق اجتماعی، و فوق فرهنگی است و دومی، یعنی اسلام‌ها یا ایدئولوژی‌ها، هر کدام بیش‌تر زاینده شرایط سیاسی، فرهنگی، و انسان‌شناسی واقعیت‌های مختلف اجتماعی و دل‌مشغولی‌های رهبران آن‌هاست (حافظ‌نیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

علمای علم مبحث ادیان مذاهب اسلامی را در اصل به هشت و در فرع به ۷۸ بخش تقسیم کرده‌اند. علاوه‌براین، شیعه به بیست طایفه، اهل سنت به چهار طایفه، معتزله به بیست طایفه، خوارج به بیست‌وسه طایفه تقسیم شده‌اند. از مذاهب دینی، مسالک حکما، و فلاسفه قدیم یونان و هند نیز به منزله طریقت یا عرفان داخل عالم اسلام شده است. جمع کثیری از مسلمانان به طریق یادشده عمل می‌کنند؛ از جمله قادریه، دفاعیه، کبرویه، و سهروردیه که هر یک نیز به چندین شعبه مجزا تقسیم می‌شوند؛ در مجموع، در عالم اسلام در اصل ۲۵ و در فرع ۱۷۸ طریقت ایجاد شده است؛ گرچه امروزه بسیاری از آن‌ها منسوخ شده است. اگر این ۱۷۸ طریقت را در کنار ۷۳ (یا ۷۸) فرقه مذهبی قرار دهیم، اوج اختلاف و فرقه‌گرایی را در جهان اسلام مشاهده می‌کنیم (عارف، ۱۳۶۹: ۷۴).

بنابراین، تحزب و فرقه‌گرایی مانع مهمی در اتحاد جهان اسلام و مسلمین به‌شمار می‌رود. در هر صورت، این تحزب و فرقه‌گرایی، صرف‌نظر از این‌که سیمای واقعی اسلام را زیر

هاله‌ای از پندارهای نادرست پنهان نگاه داشته است، تا جایی که درک حقیقت اسلام برای هر انسان پژوهش‌گری بسیار مشکل می‌نماید، نیروهای رهایی‌بخش مسلمین را، که باید در راه توسعه و پیشرفت جهان اسلام صرف شود، در راه اختلافات، صف‌بندی، تعصب، و برادرکشی به‌هدر داده است و نگذاشته رسالت خود را، که همانا وحدت جهان اسلام است، انجام دهند. مثلاً رقابت ایدئولوژیک و تضادی که بین دو کشور مهم جهان اسلام (ایران و عربستان) وجود دارد عمدتاً ناشی از اختلاف در اصول اعتقادی و مذهبی طرفین است؛ به‌طوری‌که دشمنی با شیعیان از اصول اعتقادی وهابیون محسوب می‌شود که از احمد ابن حنبل تا ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب این ضدیت و موضع‌گیری مذهبی-سیاسی علیه شیعیان ادامه دارد و با وجود تغییر و تحول دیدگاه‌های اصلی آن‌ها، موضعی ثابت و همیشگی بوده است و مانعی مهم در رسیدن دو کشور مهم جهان اسلام به توافق و همکاری در مسائل جهان اسلام محسوب می‌شود (موثقی، ۱۳۷۵: ۱۳۷).

#### ۴. جهانی‌شدن و اسلام

اسلام به‌منزله نظامی دینی، فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی از آغاز پیدایش خود و بنا به تعالیم و آموزه‌های قرآن و پیامبر اسلام (ص)، خود را آیین و دینی جهانی برای همه اعصار و برخوردار از جهت‌گیری‌هایی جهانی دانسته است. با کنکاشی در آیات قرآن کریم، می‌توان نمونه‌هایی را مشاهده کرد که بر جهانی‌بودن تعالیم اسلام تأکید دارد و با بهره‌گیری از آن‌ها خصیصه جهانی‌بودن این آیین در فلسفه سیاسی آن نهادینه شده است.<sup>۱</sup> با شروع فرایند جهانی‌شدن و چرخش غرب از شوروی به سوی اسلام، تعارضات فرهنگی غرب و اسلام رنگ و بوی جدیدی به خود گرفت. هجمه عظیم تبلیغات ضددینی و اسلامی و برخوردهای نامناسب با مسلمانان در جوامع غربی، که حتی به درگیری و جنگ‌هایی در دو کشور مسلمان عراق و افغانستان منجر شد، پدیده بنیادگرایی انحرافی و طالبانیسم را در برخی جوامع اسلامی گسترش داد. در واقع، در این برهه از زمان، جهان اسلام به جنگ سردی وارد شد که طرف مورد منازعه پدیده جهانی‌شدن یا به عبارتی امریکایی‌شدن بود.

در این زمینه، نظام لیبرال‌دموکراسی با بازتعریف ارزش‌هایی مانند آزادی، عدالت، نفی ظلم، مساوات، و رعایت حقوق بشر در چهارچوب اهداف موردنظر سعی در تحمیل ارزش‌های خود با بهره‌گیری از دستگاه‌های تبلیغاتی در گستره جهانی دارد (افروغ و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۸۷).

این امر موجبات آن را فراهم کرد تا جوامع اسلامی جهانی شدن و نتایج حاصل از آن را منفی و ضددینی قلمداد کنند و درعین حال، پروژه‌های طراحی شدت تا فرایندی طبیعی برای خود بدانند. در حال حاضر، بسیاری از کشورهای اسلامی از سطح توسعه کافی برخوردار نیستند و میزان ناچیزی از تولیدات علمی، فناورانه، خبری، و رسانه‌ای جهان را در اختیار دارند؛ بنابراین، با توجه به قدرت برتر غرب در این زمینه، می‌توان رقابت نابرابر بین این دو جریان را مشاهده کرد. با توجه به چنین رابطه نابرابری، سلطه قدرت‌های برتر جهانی با رویکردی مخالف اندیشه‌های اسلامی، در حوزه رسانه، ارتباطات، و فضای سایبر در عرصه جهانی شدن امکان شکل‌دهی به افکار عمومی در جهت مخالف در کشورهای اسلامی را فراهم کرده است. این امر در پاره‌ای از کشورهای اسلامی با گسترش نفوذ خود مبانی و اندیشه‌های نشئت‌گرفته از دین را با چالشی جدی روبه‌رو کرده است. مهم‌ترین بخش این چالش‌ها تأثیرات هویتی دوگانه‌ای است که در جوامع اسلامی ایجاد کرده و از هر دو سو به تضعیف و عقب‌گرد کشورهای اسلامی منجر شده است.

#### ۱.۴ جهانی‌شدن و تضعیف هویت دینی

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های زندگی افراد، که در عصر جهانی‌شدن فرهنگ و ارتباطات تحت تأثیر قرار گرفته است، دین و هویت دینی آن‌هاست. همه ادیان برای پیروان خود سه کارکرد دارند:

۱. از جهان هستی و موضع انسان در قبال آن توصیفی به دست می‌دهند؛
  ۲. براساس این توصیف شیوه زندگی خاصی را توصیه می‌کنند؛
  ۳. آن توصیف و این شیوه زندگی در قالب سلسله‌اعمال نمادین (عبادیات) متجلی‌اند.
- تأمل در کارکرد ادیان بیان‌گر چهار نکته است:
۱. تأکید بر معنویت و حمایت از آموزه‌های اخلاقی نکته مشترک همه ادیان است؛
  ۲. همه ادیان شامل دو بخش‌اند: پوسته و هسته. هسته همان آموزه‌های کلامی و فلسفی ادیان و پوسته شامل عبادات و مناسک هر دین است؛
  ۳. هر یک از ادیان شمول‌گرایند؛ بدین معنا که مشتمل بر مجموعه‌ای از عناصر خاص خودند؛
  ۴. هر یک از ادیان مشتمل بر هشت بُعدند:

- الف) بُعد عبادی و شعائری که همان بخش نمادین یا اعمال و شعائر نمادین دین است؛
- ب) بُعد عقیدتی یا فلسفی دین که همان آموزه‌های کلامی است؛
- ج) بُعد نقلی و اسطوره‌ای که بیان واقعیت‌های ماورایی است؛
- د) بُعد اخلاقی و حقوقی که همان احکام اخلاقی و حقوقی است؛
- هـ) بُعد تجربی و عاطفی دین که همان راز و نیازها و شور و عاطفه‌هاست؛
- و) بُعد مدیریتی که شامل رهبران روحانی و متخصصان و آگاهان مذهبی هر دین است؛
- ز) بُعد نهادهای اجتماعی دین که شامل مسجد، کلیسا، و نهادهای خیریه است؛
- ح) بُعد ماتریال که شامل هنرهای مادی نظیر معماری، ابنیه تاریخی، و ساختمان‌های نمادین هر دین است (ملکیان، ۱۳۷۹: ۶).

بنابراین، هویت دینی یکی از ابعاد مهم هویت اجتماعی و متضمن سطحی از دین‌داری است که با مای جمعی یا همان اجتماع دینی مقارن است. در واقع، هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است. به تعبیر بهتر، با پذیرش دین به منزله اصل اعتقادی در زندگی فرد مؤمن تغییرات و نتایج مهمی در وجوه گوناگون حیات حاصل می‌شود (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳: ۱۹۶).

هم‌چنین، هویت دینی از مهم‌ترین عناصر ایجادکننده همگنی و هم‌بستگی اجتماعی در سطح جوامع است که در فرایندی با ایجاد تعلق خاطر به دین و مذهب در افراد جامعه نقش بسیار مهمی در ایجاد و شکل‌گیری هویت جمعی دارد. به عبارت دیگر، هویت دینی موجب تشابه‌سازی و تمایزبخشی می‌شود. مثلاً، دین اسلام و مذهب شیعه، ضمن ایجاد تشابهات دینی در بین افراد جامعه، آن‌ها را از سایر ادیان جدا می‌کند (Featherstone, 1995: 36). این در حالی است که افزایش ارتباطات جهانی و جهانی‌شدن، رواج ارزش‌های گوناگون، و قرارگرفتن در معرض اندیشه‌ها و گرایش‌های گوناگون از جمله عوامل تهدیدکننده تعلق خاطر به هویت دینی به‌خصوص در بین جوانان است. هویت فرهنگی و دینی افراد به‌واسطه جهانی‌شدن فرهنگی تهدید می‌شود؛ همان‌طور که کاستلز نیز جهان آینده را صحنه کارزار دو قدرت معتبر (جهانی‌شدن و هویت) می‌داند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۳). بنابراین، امروزه هویت مبنا و معنای گذشته خود را از دست داده است؛ شدت و دامنه تغییرات هویتی در نسل‌های جدید به اندازه‌ای است که در برخی موارد چالش‌ها و بحران‌های هویتی را پدید آورده است. جوانان و نوجوانان امروزی، برخلاف نسل‌های گذشته، بیش از آن‌که در زمینه ارزش‌ها، باورها، و رفتارها و در یک کلام هویتشان از والدین و خانواده متأثر باشند، از رسانه‌ها،

صنعت فرهنگ، و هم‌سالان و جوانان دیگر، که چه‌بسا از دیگر کشورها باشند، تأثیر می‌پذیرند. مثلاً «تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهد که رسانه‌های گروهی عاملی در جهت کاهش هویت اجتماعی بوده است» (جوادی یگانه و عزیز، ۱۳۸۷: ۱). نتایج تحقیقی دیگر نشان می‌دهد که «استفاده از ماهواره و اینترنت سبب کاهش هویت جنسیتی می‌شود که خود نشان‌دهنده تغییر رفتار و نگرش به سمت الگوها و گرایش‌های جدید است (عریضی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲). بنابراین، حال که ابعاد گوناگون هویت، تحت تأثیر عوامل یادشده، دست‌خوش تغییرات وسیع و سریع می‌شود، تأثیر ابزارهای جهانی شدن بر هویت دینی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸).

با توجه به ویژگی‌های عمده جهانی شدن از قبیل فشرده‌شدن زمان و مکان، ارتباطات سریع، سرعت بروز تغییرات، وجود توأمان فرایندهای عام‌گرایی و خاص‌گرایی، بسط تنوع فرهنگی و دینی، تغییر ابعاد شناختی، و بی‌پناهی و بی‌ریشگی می‌توان تصور کرد که در این فضا و شرایط ارتباط بین فهم، عمل، و اعتقاد دینی و نیز روابط اجتماعی به‌دلیل تنوع دریافت‌های دینی و برداشت‌های متکثر از دین تضعیف شده است و گرایش به هویت‌های غیردینی تأیید و تقویت می‌شود (Bunt, 2003: 51).

جهانی‌شدن، به‌خصوص با تضعیف رابطه بین فهم، عمل، و اعتقادات دینی به‌منزله مقدمات پیدایش هویت دینی ابتدا به ظهور هویت مردد (نه سستی، نه مدرن)، سپس، هویت ترکیبی با تعلقات ریشه‌دار سستی و محیط جدید زندگی، و هویت غیردینی، که مؤید جدایی دین از سیاست است، منجر می‌شود. با پیدایش هویت غیردینی نقش تعلیمات دینی در تربیت افراد در جامعه به‌منزله معیار ارزشی فراگیر کم‌رنگ می‌شود و به حداقل می‌رسد یا بی‌تأثیر می‌شود (سلیمانی بشلی، ۱۳۸۹: ۲۱).

در چنین شرایطی، جوامع اسلامی ناگزیرند معیارهای جدید هویت‌یابی دینی را بشناسند و خود را با آن همراه کنند؛ وضعیتی که نقش تعلقات دینی در بخش‌هایی از جهان اسلام را به‌شدت کاهش می‌دهد و آن‌ها را به‌سمت هم‌نوایی با کشورهای غربی و دوری از کشورهای اسلامی سوق می‌دهد.

#### ۲.۴ جهانی‌شدن و تقویت هویت‌های افراط‌گرا

برخی نویسندگان بازتولید بنیادگرایی در کشورهای اسلامی را واکنشی در برابر تمامیت‌طلبی غرب می‌دانند که از طریق فرایند جهانی‌شدن تلاش می‌کند تا هژمونی خود را



تثبیت کند. در این چهارچوب، رشد بنیادگرایی در بخش‌هایی از جهان اسلام به معنای مقاومت برخی از مسلمانان در برابر جهانی شدن فرهنگ و سیاست غربی است.

در این چهارچوب، در واکنش به جهانی شدن، حرکت‌های ملی، محلی، و مذهبی ظهور و گسترش می‌یابد و این خود بیان‌گر ماهیت متعارض جهانی شدن و تعارض آن با هویت‌های ملی و مذهبی است. در مجموع، دو نوع واکنش مهم در قبال این فرایند جهانی شدن را می‌توان ردیابی کرد: ۱. مقاومت محلی که برای دفاع از هویت قومی در چهارچوب اندیشه ناسیونالیستی شکل گرفت؛ ۲. بنیادگرایی اسلامی که در پی احساس خطر حذف هویت اسلامی در فرایند جهانی شدن بازتولید شد. ارنست گلنر (Ernest Gellner) یادآور می‌شود که نوعی ناسازگاری بین ادعاها و آموزه‌های غرب، که در فرایند جهانی شدن عالم‌گیر و جهانی می‌شود، با آموزه‌های اسلامی وجود دارد و این ناسازگاری موجب می‌شود که هر دو به نفعی یک‌دیگر بپردازند. او می‌گوید:

بنیادگرایی جای‌گزینی است برای فرهنگ غرب که به وسیله قدرت‌های سیاسی و اقتصادی غرب تبلیغ و ترویج می‌شود؛ اما هم‌زمان برای تولیدمثل و توسعه پیمایش از تکنولوژی غربی بهره می‌جوید (Gellner, 1992).

اسپوزیتو (John Esposito) نیز نکته یادشده را تأیید می‌کند. او بر آن است که تقلید کورکورانه از غرب و غربی کردن نسنجیده جوامع مسلمانان وابستگی و هم‌بستگی فرهنگی آنان را، که تهدیدی برای از دست رفتن هویت اسلامی خود دارند، ایجاد کرده است. هرچند بنیادگرایی، به منزله یک مقوله نسبت به جوامع اسلامی از نظر محتوا، ماهیت، و رویکردی که به جهان، انسان، و سیاست دارد، در جای خود درخور تأمل است و از برخی جهات با نقد جدی تئوریک و عملی روبه‌روست. صرف‌نظر از ماهیت بنیادگرایی، «جهانی شدن» به مفهوم «غربی‌سازی»، به دلیل آن‌که فرهنگ و باورهای فرهنگی خاصی را در جوامع اسلامی و دیگر جوامع گسترش می‌دهد، به شکل‌گیری حرکت‌های ملی و جنبش‌های مذهبی می‌انجامد که یکی از نمودهای آن مقوله «بنیادگرایی» است (سجادی، ۱۳۸۲).

نیل مارفیلد، از نظریه‌پردازان جهانی شدن، در پژوهشی که در زمینه مذهب و جهانی شدن دارد، تأکید می‌کند که رشد بنیادگرایی و ظهور حرکت‌های تجدیدطلبانه در جوامع دینی بیش از هر عاملی بازتاب‌دهنده افکار و ایده‌های غرب در جوامع اسلامی است. حتی از نظر پیشینه تاریخی نهضت اصلاح و احیای اندیشه اسلامی در جوامع اسلامی عمدتاً در واکنش با گسترش استعمار و ایده‌های غربی در جهان شرق به وجود آمده است (مارفیلد و کیلی، ۱۳۸۰: ۱۳۳-۱۳۶).

### ۳.۴ ضعف عقلانیت و اعتدال در جهان اسلام

توازن و استقرار اساس زندگی اجتماعی است و اگر جامعه این دو عنصر را از دست بدهد، دچار افراط‌گرایی می‌شود. برای برقراری توازن و هم‌گرایی در جامعه هم‌نشینی عقل و دین ضروری است؛ به‌ویژه در جوامع مسلمان که دین در همه عرصه‌های زندگی نقش دارد و درپیش گرفتن اعتدال در امور گوناگون امری مهم می‌نماید. ارسطو، معلم و اندیشمند بزرگ یونان، معیار اخلاق و رمز نیک‌بختی را میانه‌روی و رعایت حد وسط و افراط و تفریط در امور را خلاف عقل می‌دانست (ارسطو، ۱۳۸۵: ۵۱-۷۶). امام علی (ع)، اندیشمند و پیشوای بزرگ مسلمانان، نیز بیان کرده است: «المؤمن سیرته القصد و سنته الرشد»: «مؤمن شیوه‌اش میانه‌روی و روشش پیمودن راه راست است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵-۴۰).

در اعتدال‌گرایی از آن‌جا که فکر بر زبان و واکنش حاکمیت دارد، افراد و سیستم‌ها روش‌مند و حقوقی‌اند و برای پیش‌برد امور به همان اندازه که هدف و افق اهمیت دارد، روش و نحوه انجام‌دادن کارها نیز قداست دارد. هیجانی‌نبودن، مزاجی‌نبودن، فی‌البداهه‌نبودن، واکنشی‌نبودن، و صرفاً با زبان مسائل را حل‌نکردن از مختصات اعتدال‌گرایی است (سریع‌القلم، ۱۳۹۲: ۹).

اعتدال‌گرایی انعکاس حد فکر، برنامه، و عقلانیت است و افراط‌گرایی تعصب در رأی و اندیشه و تجاوز از اعتدال است. آن‌چه مترتب بر این تعصب است گاهی رفتار انسانی ظالمانه و گاهی دیگر رفتار غیرانسانی است (سید عویس، ۱۹۸۲). نگاه سطحی به قرآن و روایات، وضع احکامی خارج از چهارچوب عقلانیت و اعتدال، رواج جهل و نادانی و بحران فقر که به کفر و سستی عقل منجر می‌شود، تبعیض و نابرابری اجتماعی، استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برای ترویج عقاید تنگ‌نظرانه، و دامن‌زدن به اختلافات به جای تمرکز بر اشتراکات از جمله عواملی‌اند که نقش پررنگی در خروج بخش‌هایی از جوامع اسلامی از اعتدال و عقلانیت داشته‌اند (فتحی کندوله و مریمی، ۱۳۹۵).

در نتیجه، در مقطع کنونی، افراط‌گرایان اسلامی با تمسک به ظواهر دین و استفاده ابزاری از آن سبب ارائه چهره‌های مخدوش، خشونت‌طلب، و غیرانسانی از اسلام شده‌اند. این گروه‌ها، که معمولاً از سوی دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ذی‌نفع تغذیه می‌شوند، زمینه تفرقه و ناامنی داخلی و هم‌چنین رویارویی کشورهای اسلامی با یک‌دیگر را فراهم کرده‌اند.

## ۵. هم‌گرایی جهان اسلام؛ مستلزم گسترش ارتباطات و تمرکز بر منافع مشترک

امروزه یکی از جدی‌ترین ضعف‌های جهان اسلام نداشتن وحدت سیاسی و عدم هم‌بستگی کشورهای آن با یک‌دیگر است (شوشتری و صادقی، ۱۳۸۹) که چالش‌های فرهنگی-مذهبی دلیل عمده آن بوده است. البته، از سویی دیگر، عدم حل چالش‌های فرهنگی-مذهبی و حتی دامنه‌دارتر شدن آن‌ها در دهه‌های اخیر نتیجه عدم ارتباط کافی سران کشورهای اسلامی و پیدایش، بروز، و افزایش انواع اختلافات، سوءتعبیرها، و درگیری‌ها بین آن‌هاست. به‌طور کلی، از منظر بسیاری از نظریه‌پردازان هم‌گرایی، وجود انواع ارتباطات از جمله ارتباطات اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی بین واحدهای سیاسی می‌تواند به وابستگی متقابل و درنهایت، به ایجاد هم‌گرایی بین آن‌ها منجر شود.

در نتیجه، وجود ارتباطات گسترده بین کشورهای منطقه آن‌ها را قادر می‌سازد که با هم فکر کنند، با هم ببینند، و با هم عمل کنند. از جمله شاخص‌های برجسته‌ای که می‌توانند در این رابطه کارگشا باشند عبارت‌اند از ارتباطات اجتماعی هم‌چون روابط پستی، مخابراتی، دانشجویی و زیارتی، و نیز ارتباط مستقیم رؤسای جمهور و سران این کشورها با یک‌دیگر برای تبادل نظر درباره اختلافات موجود (Mazroghy, 2000: 14). طبق نظر اندیشمندان هم‌گرایی، در خلال این ارتباطات، پاداش‌ها و تنبیهات مشترکی شکل می‌گیرد که سبب می‌شود آنچه برای یکی از واحدها سودمند است برای طرف دیگر نیز چنین وضعیتی داشته باشد. وجود این الگوی منافع عینی در سطوح بالای مبادلات، در بین آن گروه از کشورها انسجام و هم‌بستگی ایجاد می‌کند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶: ۱۳۵).

پژوهش‌گر حاضر بر آن است که جهان اسلام می‌تواند با کمک همان ابزارها و فرایندهایی که تا کنون به وحدت و هم‌گرایی جهان اسلام صدمه زده‌اند و جهانی‌شدن ارتباطات و فرهنگ در رأس آن‌هاست به تقویت هم‌گرایی و همکاری بین خود پردازند. در این زمینه، برای تقویت جهان اسلام و تشکیل جبهه واحد اسلامی لازم است جمهوری اسلامی ایران، با وجود اختلاف‌نظرهای بسیاری که با برخی کشورهای اسلامی دارد، نقش پیش‌رو را در افزایش مناسبات با آن‌ها برعهده گیرد و در درجه نخست با بهبود روابط دیپلماتیک، خصوصاً با کشورهای اثرگذار جهان اسلام، به‌گونه‌ای واقع‌بینانه به حل اختلافات خود با آن‌ها و نیز اختلافات سایر کشورهای اسلامی با یک‌دیگر پردازد. پیش‌نهاد تشکیل و اجرایی کردن پروژه «مرکز ارتباطات الکترونیک اسلامی» در بین همه

کشورهای اسلامی منطقه با رهبری و مرکزیت ایران از جمله راه‌کارهایی است که کشورمان می‌تواند با کمک ابزارهای نوین ارتباطی و با هدف افزایش همکاری و هم‌گرایی سران کشورهای اسلامی و آشنایی آن‌ها با اهداف و جهت‌گیری‌ها، و نیز مشکلات سایر کشورهای اسلامی از آن استفاده کند. در درجه دوم و پس از بهبود روابط سیاسی کشورهای اسلامی طبیعتاً ضروری است روابط بین ملت‌های اسلامی نیز در قالب مناسبات توریسم زیارتی، تجاری، آموزشی، بهداشتی، و ... افزایش یابد. بی‌شک مرکز ارتباطات الکترونیکی اسلامی، علاوه بر پیوند دادن مستقیم سران کشورهای اسلامی، می‌تواند تعاملات و شناخت مردم جوامع اسلامی را نیز با یک‌دیگر افزایش دهد و به تدریج زمینه را برای ایجاد یک بلوک واحد اسلامی فراهم کند که آماده ایفای نقش و صدور فرهنگ خود به همه دنیا باشد.

## ۶. نتیجه‌گیری

نگارنده در پژوهش حاضر تلاش کرد تا در قالب نظریه هم‌گرایی، ضمن بررسی مهم‌ترین چالش‌های فرهنگی - مذهبی جهان اسلام، تأثیرات آن بر هم‌گرایی و وحدت جهان اسلام را ارزیابی کند. در چهارچوب نظریه هم‌گرایی، جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاست‌های عمده و اساسی خود چشم می‌پوشند و سعی می‌کنند به تصمیم‌های مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی تازه‌ای واگذار کنند.

بنابراین، هم‌گرایی پدیده‌ای اختیاری بین چند کشور همسایه یا متمایل به همکاری است که اختیاری و داوطلبانه براساس اراده شکل می‌گیرد و در جهانی که همه جوامع و دولت‌ها در آن از نوعی وابستگی برخوردارند و در برابر حوادث و جریان‌های ماورای مرزها بسیار آسیب‌پذیرند، نوعی ثبات و اطمینان خاطر را سبب می‌شود.

در جهان اسلام نیز هم‌گرایی همواره مورد توجه بوده است و در محافل و مجالس گوناگون بر این مهم اشاره و تأکید شده است؛ هرچند این آرمان تاکنون در عرصه عمل موفق و عملیاتی نشده است. در این زمینه، دست‌آوردهای پژوهش حاضر فرضیه مطرح‌شده در این پژوهش را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که جهان اسلام در عصر حاضر با چالش‌های فرهنگی و مذهبی گوناگونی مواجه است که اختلافات و تفرقه‌ها، ضعف عقلانیت در جهان اسلام، و جهانی‌شدن لیبرال‌دموکراسی غربی از مهم‌ترین آن‌هاست. چالش‌هایی که به شکل‌گیری هویت‌های دوگانه و متناقض بی‌دینی و افراط‌گرایی دینی منجر شده و از هر دو سو تضعیف مناسبات کشورهای اسلامی را به دنبال داشته است.

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد برای رفع این چالش‌ها و تهدیدها لازم است جهان اسلام، با استفاده مفید از جهانی‌شدن ارتباطات و فرهنگ، به تقویت هم‌گرایی و همکاری بین خود بپردازد. از یک سو، فرهیختگان فکر و فرهنگ جهان اسلام، از طریق مرکز ارتباطات الکترونیک اسلامی، ارتباط و هم‌اندیشی تنگاتنگی با هم داشته باشند و برای چیره‌شدن بر این چالش‌ها راه‌کارهای بایسته و شایسته ارائه دهند. در درجه دوم لازم است روابط و مناسبات سران کشورهای اسلامی، به منظور آشنایی آن‌ها با اهداف و جهت‌گیری‌ها و نیز مشکلات سایر کشورهای اسلامی، افزایش یابد و تمرکز آن‌ها، به جای اختلافات، بر منافع فرهنگی مشترک اسلامی هم‌چون توریسم زیارتی، تجاری، آموزشی، و بهداشتی قرار بگیرد. در همین زمینه، راه‌کارهای ذیل نیز می‌تواند به حل سریع‌تر چالش‌های فرهنگی - مذهبی جهان اسلام کمک کند:

۱. آغاز نهضت علمی فناوری برای تولید علم در جهان اسلام و تشویق مرکز و مؤسسه‌های علمی و پژوهشی در آن، برای دستیابی به استراتژی مطلوب و علوم گوناگون برای رسیدن به اهداف انسانی و مسالمت‌آمیز (مانند ژنتیک و فناوری مسالمت‌آمیز هسته‌ای)؛

۲. تأسیس مؤسسه‌ها و سازمان‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، و آموزشی در جهان اسلام با همکاری سازمان ایسیسکو، هماهنگی بین این سازمان‌ها، که در آن به بحث و بررسی موارد ذیل می‌پردازند:

الف) تشخیص و شناخت وضعیت فرهنگی، علمی، آموزشی، و اجتماعی جهان اسلام، براساس معیارها و اطلاعات آمارهای بین‌المللی؛

ب) تشخیص و شناخت چالش‌ها و تهدیدهای داخلی و خارجی جهان اسلام؛

ج) شناخت فرصت‌ها و استعدادها در جهان اسلام؛

د) تنظیم اهداف عینی استراتژی فرهنگی جهان اسلام در عرصه‌های فرهنگی، علمی، آموزشی، و اجتماعی؛

ه) شناخت تجربه‌های موفق در کشورهای اسلامی برای چیره‌شدن بر چالش‌ها و مشکلات موجود در جوامع اسلام و ارائه سفارش‌های لازم برای استفاده از این تجربه‌ها در تمام مناطق جهان اسلام.

۳. برپایی کنگره‌های بین‌المللی درباره موضوعات یادشده، با شرکت اندیشمندان، عالمان، و فرهیختگان جهان اسلام و استفاده از دست‌آوردهای این کنگره‌ها برای اصلاح و بازنگری.

## پی‌نوشت

۱. «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد» (نساء: ۱)؛ «ان هذه امتکم امه واحده و انما ربکم فاتقون» (مؤمنون: ۵۲)؛ «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا» (اعراف: ۱۵۸).

## کتاب‌نامه

- افروغ، عماد و دیگران (۱۳۸۸). *جهانی‌شدن و جهان اسلام*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- ارسطو (۱۳۸۵). *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). *نامنی جهانی، بررسی چهره دوم جهانی‌شدن*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- احمدی‌پور، زهرا، ابوالفضل کاوندی کاتب و میثم میرزایی تبار (۲۰۱۰). «چالش‌های جهان اسلام در عرصه جهانی‌شدن»، *مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام*.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جوادی یگانه، محمدرضا و جلیل عزیزی (۱۳۸۷). «هویت فرهنگی و اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز با توجه به عامل رسانه»، *فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی*، ش ۳.
- چیت‌ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۳). *گسست نسلی در ایران؛ افسانه یا واقعیت*، تهران: جهاد دانشگاهی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و سیدهادی زرقانی (۱۳۹۱). «چالش‌های ژئوپلیتیکی هم‌گرایی در جهان اسلام»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ش ۸۰.
- دوثرتی، جیمز و رابرت فالترزگراف (۱۳۷۶). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علی‌رضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
- سجادی، عبدالقیم (۱۳۸۲). «اسلام و جهانی‌شدن»، *باشگاه اندیشه*، <http://www.bashgah.net/fa/content/show/1275> (بازیابی در ۱/۷/۱۳۹۶).
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲). «مبانی نظری اعتدال‌گرایی»، *مهرنامه*، ش ۴۲.
- سید عویس (۱۹۸۲). *بحث الحركات الدينية المتطرفة موقع المركز القومي للبحوث الاجتماعیه و الجنائیه*.
- شوشتری، سیدمحمدجواد و علی صادقی (۱۳۸۹). «هم‌گرایی کشورهای اسلامی؛ چالش‌ها و راه‌کارها»، *مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام*.
- شیخ‌حسینی، کامبیز (۱۳۷۵). *اکو؛ یک دیدگاه منطقه‌ای*، تهران: وزارت امور خارجه.
- صفوی، سیدیحیی (۱۳۸۷). *اتحاد جهان اسلام*، تهران: شکیب.
- عارف، محمد (۱۳۶۹). *جغرافیای عالم اسلام*، تصحیح صدیقه سلطانی فر، تهران: جهاد دانشگاهی.
- عریضی، فروغ‌السادات، فریدون وحیدا و پروانه دانش (۱۳۸۵). «ماهواره و هویت جنسیتی دختران جوان (مطالعه موردی: دختران دبیرستانی منطقه ۵ شهر تهران)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ش ۲.
- فتحی‌کندوله، آیت و الهام مریمی (۱۳۹۵). «عوامل ضعف اعتدال و عقلانیت و تأثیر آن در پیدایش افراط‌گرایی در جهان اسلام». *مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی*، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، س ۱، ش ۳.

- مارفیلت، نیل و دی کیلی (۱۳۸۰). *جهانی شدن و جهان سوم*، تهران: دفتر مطالعات جهانی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷). *خلیج فارس؛ مرزها و کشورها*، تهران: عطایی.
- مظاهری، محمد مهدی، اعظم ملایی و مجید کافی (۱۳۹۵). *آینده پژوهی دین و ابزارهای نوین ارتباطی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر، و ارتباطات.
- موتقی، سید احمد (۱۳۷۵). *جنبش های اسلامی معاصر*، تهران: سمت.

- Bunt, Gary R. (2003). *Islam in the Digital Age: E-Jihad, Online Fatwas and Cyber Islamic Environments*, Pluto pr.
- Featherstone, M. et al. (1995). *Global modernities*, London: Sage.
- Gellner, Ernest (1992). *Postmodernism Reason and Religions*, London and New York: Rutledge.
- Mazroghy, H. (2000). 'Equipments of Exchange in the Islamic Countries', *Collection of Articles Conference of Economical Cooperations of between Islamic Countries*, Institute for Economical Studies, Tehran.